

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

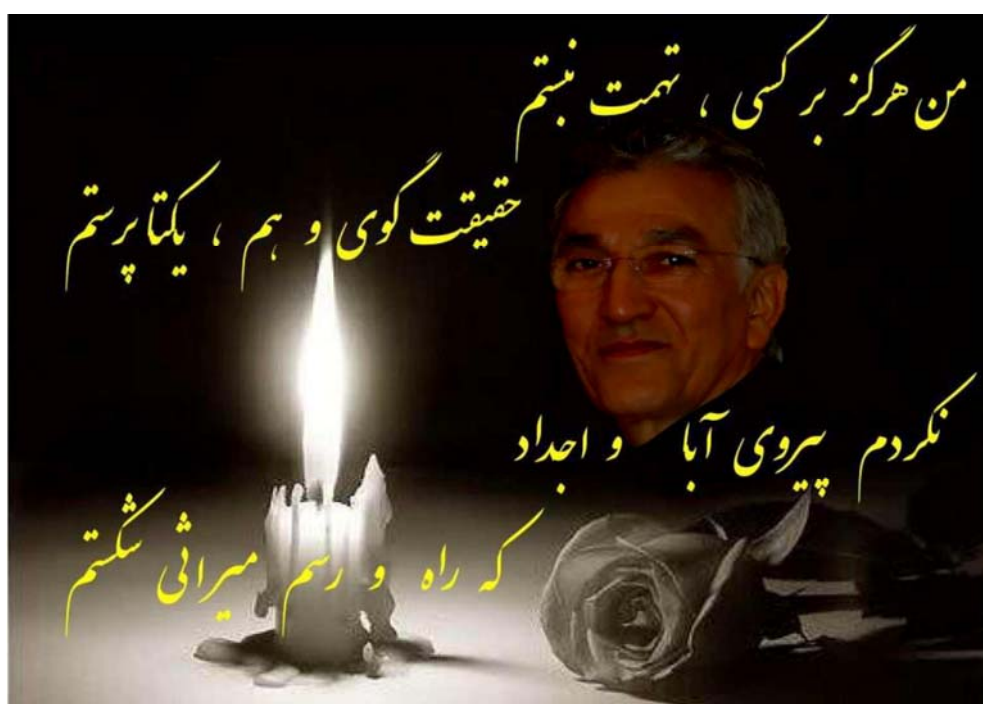
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

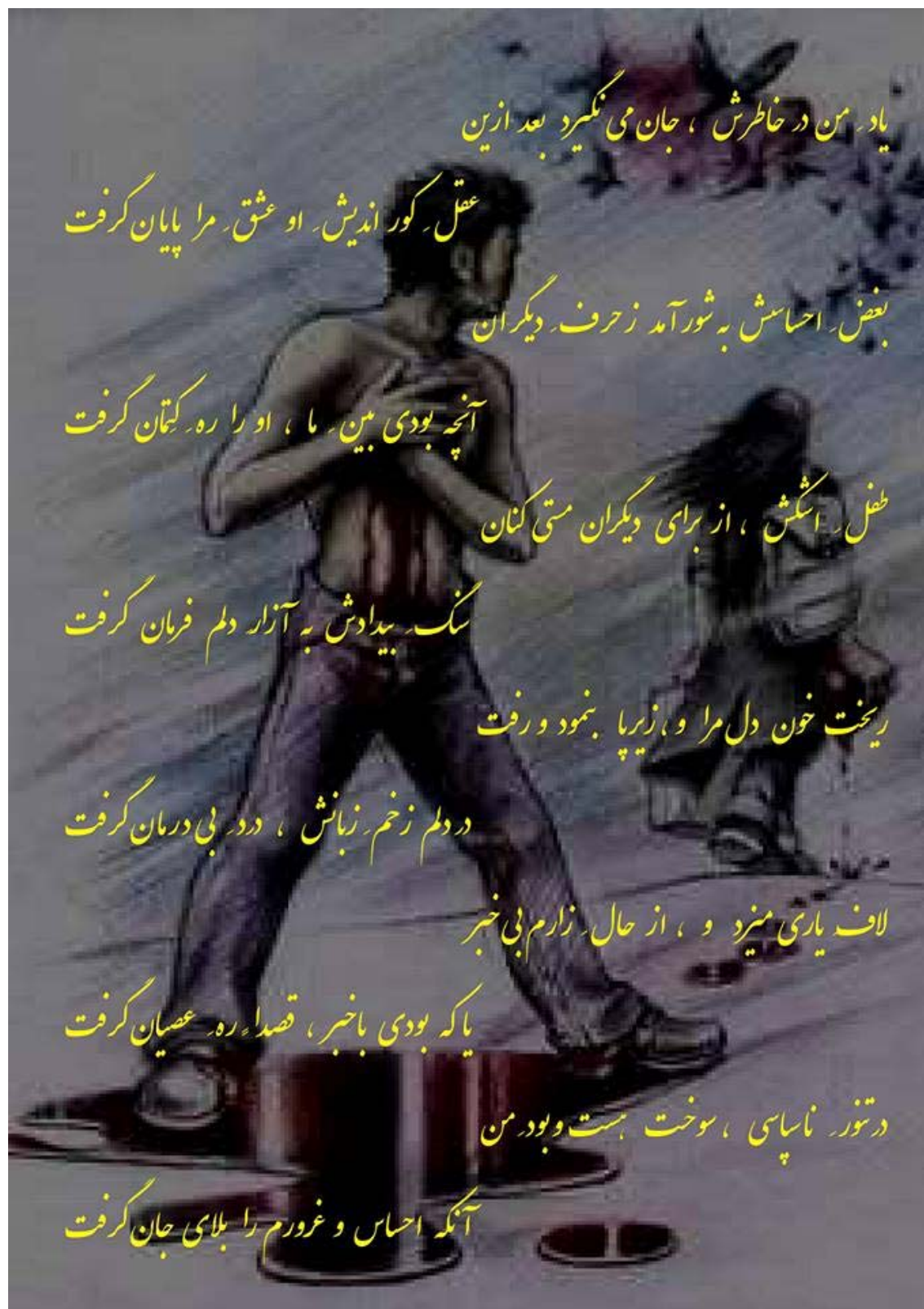
نعمت الله مختارزاده

۲۸ دسمبر ۲۰۱۸



بلای جان

یاد من در خاطرش، جان می نگیرد بعد ازین
بُغضِ احساسش به شور آمد ز حرفِ دیگران...
عقلِ کور اندیش او عشق مرا پایان گرفت
آنچه بودی بینِ ما، از او ره کتمان گرفت
سنگِ بیدادش به آزارِ دلم فرمان گرفت
در دلم زخمِ زبانش، دردِ بی درمان گرفت
یا که بودی باخبر، قصداً ره عصیان گرفت
آنکه احساس و غرورم را بلای جان گرفت
در تنور ناسپاسی سوخت هست و بودِ من



یاد من در خاطرش ، جان می نگیرد بعد ازین
عقل کور اندیش او عشق مرا پایان گرفت
بغض احساس به شور آمد ز حرف دیگران
آنچه بودی بین ما ، او را ره کتمان گرفت
طفل انگش ، از برای دیگران مستی کنان
سنگ بیداش به آزار دلم فرمان گرفت
ریخت خون دل مرا و ، زیر پا بنمود و رفت
دلم زخم زبانش ، درد بی درمان گرفت
لاف یاری میزد و ، از حال زارم بی خبر
یا که بودی بانبر ، قصدا ره عصیان گرفت
دستور ناپاسی ، سوخت هست و بود من
آنکه احساس و غورم را بلای جان گرفت